

# المهدي (ع) في الأديان الإلهية

## مهدى (ع) در اديان الهى

الإمام المهدي (ع) كمصلح منتظر، وكمنقذ لشريعة الله في أرضه موجود تقريباً في جميع الأديان الإلهية السابقة للإسلام، كاليهودية والنصرانية.

امام مهدى (ع) به عنوان مصلح منتظر، و به عنوان منجى شريعت خداوند در زمينش، تقريباً در همهى اديان الهى پيش از اسلام موجود بوده است؛ همانند يهوديت و مسيحيت.

ففي التوراة، مرّة تجده في (سفر دانيال في رؤيا بختنصر)، التي يُعبرها دانيال (ع) بعد أن يراها. ومرّة تجده في (رؤيا دانيال للممالك والإمبراطوريات الكبرى) التي تقوم على الأرض من بعده (ع)، وتجده كذلك في غير هذا السفر من التوراة المتداولة اليوم.

در تورات يك بار او را در سفر دانيال در رؤياى بخت النصر مى يابى؛ رؤياى كه دانيال پس از اينكه (بخت النصر) آن را ديد، تعبير نمود، و بار ديگر او را در «رؤياى دانيال براى ممالك و امپراطورى هاى بزرگ» كه پس از او (ع) بر روى زمين بر پا مى شوند، مى يابى، و همين طور در بخش هاى ديگر اين سفر توراتى كه امروزه متداول مى باشد.

أمّا في الإنجيل، فهو (قديم الأيام) المصلح المنتظر الذي ينزل معه عيسى (ع) من السماء، فتجده في الإنجيل وفي (رؤيا يوحنا اللاهوتي). كما أنّك تجد عيسى (ع) يذكر في الإنجيل علامات لعودته إلى الأرض، هي بعينها العلامات التي ذكرها النبي والأئمة الأطهار لظهور المهدي (ع) وقيامه، كخسوف القمر وكسوف الشمس، والحروب وأخبار الحروب. وذلك؛ لأنّ عيسى (ع) ينزل من السماء في زمن ظهور المهدي (ع)، وزيراً له ومؤيداً لحقه.

در انجیل، او همان «قدیم الایام» است؛ مصلح منتظری که عیسی (ع) به همراهش از آسمان فرود می‌آید. او را در انجیل در «رؤیای یوحنا لاهوتی» می‌یابی؛ همان طور که شما می‌بینی عیسی (ع) نشانه‌های بازگشتش به زمین را در انجیل ذکر می‌کند، به طوری که این نشانه‌های دقیقاً همان نشانه و علامت‌هایی هستند که پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) برای ظهور مهدی (ع) و قیامش ذکر می‌فرمایند؛ مانند خسوف ماه و کسوف خورشید، و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها؛ چرا که عیسی (ع) در زمان ظهور مهدی (ع)، به عنوان یکی از وزیری او، و تأیید کننده‌ای برای حق او، از آسمان فرود می‌آید.

أما عند المسلمين، فالمهدي (ع) من ضروريات الدين ومنكره منكر لنبوّة محمد، فقد جاء ذكره متواتراً عن النبي، سواء عن طريق السنة أو الشيعة. ولكن السنة لما أعرضوا عن أوصياء النبي وتركوا حديثهم وقعوا في شبهة، أنه سيولد في آخر الزمان، وإن اعترفوا أنه من ولد علي وفاطمة.

اما از نظر مسلمانان مهدی (ع) از ضروریات دین است، و انکار کننده‌ی او، انکار کننده‌ی پیامبری محمد (ص) می‌باشد؛ چرا که یاد او به تواتر از پیامبر (ص) چه از طریق اهل سنت و چه از طریق شیعه، آمده است. اما اهل سنت هنگامی که از اوصیای پیامبر (ص) روی گردانیدند و احادیث آنها را ترک گفتند، در شبهه‌ای گرفتار شدند، که آن حضرت در آخر الزمان به دنیا خواهد آمد، با اینکه اعتراف می‌کنند که او از فرزندان علی و فاطمه (علیهما السلام) می‌باشد.

ثم جاء من علماء السنة في الغيبة الكبرى من اعترف بأن الإمام المهدي (ع) هو الإمام الثاني عشر من أئمة أهل البيت، وإنه حي وغائب عن الأبصار كالخضر (ع).

سپس کسانی از علمای اهل سنت در زمان غیبت کبری آمدند و اعتراف نمودند به اینکه امام مهدی (ع) همان امام دوازدهم از ائمه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد، و اینکه او زنده و از نظرها پنهان است؛ همانند خضر (ع).

ومن هؤلاء، الشافعي في كتابه (مطالب السؤل)، حيث عقد فصلاً في نهاية كتابه المشار إليه للدفاع عن اعتقاده، إنّ الإمام المهدي هو محمد بن الحسن العسكري (ع).

از جمله‌ی این افراد «شافعی» در کتابش «مطالب السؤل» برای دفاع از اعتقادش فصلی را در انتهای کتابش قرار داده که به او اشاره می‌نماید؛ اینکه امام مهدی (ع) همان محمد بن الحسن العسكري (ع) است.

أمّا الشيعة الإمامية الإثنا عشرية، فقد كانوا يرجعون إلى أوصياء النبي من بعده وتابعوهم إمام تلو إمام، حتى وصلت الإمامة وخلافة النبي وخلافة الله في أرضه إلى خاتم الأوصياء الإمام محمد بن الحسن المهدي (ع)، ومع أنّه كان غائباً عن أنظار العامة ويتصل مع شيعته عن طريق أحد خلّص المؤمنين، إلاّ إنّ الشيعة تقبلوا هذا الوضع؛ لأنّ النبي والأئمة من بعده مهدوا لغيبته (ع) وذكروها في أحاديثهم.

اما شیعه‌ی دوازده امامی پس از پیامبر (ص) به اوصیای پیامبر (ص) مراجعه می‌کردند و امامی پس از امامی دیگر پیرو آنها بودند، تا اینکه امامت و جانشینی پیامبر (ص) و جانشینی خدا در زمینش به خاتم اوصیا، امام محمد بن الحسن المهدي (ع) رسید؛ با وجود اینکه وی از دیدگان عامه‌ی مردم غایب بوده، و به وسیله‌ی یکی از مخلص‌ترین مؤمنان با شیعیان خود ارتباط برقرار می‌کرد، تا اینکه شیعه این وضعیت را پذیرفتند؛ چرا که پیامبر و امامان (علیهم السلام) پس از او برای غیبتش زمینه‌سازی کردند و این موضوع را در احادیثشان یادآور شدند.

وحياة الإمام المهدي (ع) قبل الغيبة تقريباً بخمس سنوات قضاها مع والده الإمام الحسن العسكري (ع)، فهو (ع) ولد يوم ١٥ شعبان سنة ٢٥٥ هـ . ق على بعض الروايات، وبدأت غيبته مع أول يوم من إمامته، وهو يوم تسعة ربيع الأول ٢٦٠ هـ . ق.

در مورد زندگانی امام مهدی (ع)، ایشان پیش از غیبت، تقریباً پنج سال را با پدرش امام حسن عسکری (ع) گذرانید. ایشان (ع) طبق برخی روایات در روز ١٥ شعبان سال ٢٥٥ هـ. ق متولد شد، و غیبت او همراه با اولین روز امامتش آغاز گردید؛ روز نهم ربيع اول ٢٦٠ هـ. ق.

وفي هذه السنوات الخمس لم يعرف ولادته ولم يره إلا الخُص من الشيعة. ربما أربعون أو أقل أو أكثر، فهو (ع) محبوب عن الناس منذ ولادته للحفاظ على حياته، وهذا لأن أئمة الجور والضلال من العباسيين (لعنهم الله) كانوا يترقبون ولادته للقضاء عليه وقتله، كما كان فرعون (لعنه الله) يترقب ولادة موسى (ع) لقتله، وكما أراد الحاكم الروماني قتل عيسى (ع) عندما علم بولادته، وكانوا يريدون إن يطفئوا نور الله بأفواههم العفنة، ويأبى الله إلا أن يتم نوره ولو كره الأمويون والعباسيون وأئمة الضلال والطواغيت الذين يحكمون الأمة الإسلامية.

در مدت این پنج سال، کسی از ولادتش اطلاع نداشت و کسی او را نمی دید مگر برخی از شیعیان مخلص. شاید چهل نفر، کم تر یا بیش تر. بنابراین آن حضرت (ع) از بدو تولدش به جهت محافظت از زندگانی اش از مردم پنهان بود، و این، از آن رو بود که پیشوایان جور و گمراهی عباسی که لعنت خدا بر آنها باد، چشم به راه ولادتش بودند تا کار را بر او یکسره نمایند و او را به قتل برسانند؛ همان طور که فرعون که خداوند لعنتش کند، چشم انتظار ولادت موسی (ع) بود تا او را به قتل برساند؛ به همان صورتی که حاکم رومی پس از اینکه از ولادت عیسی (ع) آگاه شد، خواهان کشتن وی بود. آنها می خواستند نور خدا را با دهان های متعفن خود خاموش کنند، و خداوند ایا دارد، جز از

اینکه نور خود را کامل گرداند، حتی اگر امویان، عباسیان، پیشوایان گمراهی و طاغوت‌هایی که بر امت اسلامی حکومت می‌کنند، خوش نداشته باشند!

ومن عظیم شأن هذا الإمام (ع) أنه قد جاء في أحاديث كثيرة عن النبي في كتب السنة والشريعة، إن عيسى (ع) يصلي خلفه ويكون وزيراً له. ثم إن هذا العبد الصالح مدّخر لإقامة القسط والعدل في الأرض وحمل كلمة لا إله إلا الله محمد رسول الله إلى أهل الأرض جميعهم. وقد اصطفاه الله سبحانه من جميع بني آدم لهذا الأمر، كما روي إن أول من يبایعه على هذا الأمر عند قيامه جبرائیل (ع)، وإنه عند قيامه يحفّه جبرائیل عن يمينه وميكائيل عن شماله.

و از عظمت جایگاه این امام (ع) همین بس که در احادیث بسیاری از پیامبر (ص) در کتاب‌های اهل سنت و شیعه آمده است که عیسی (ص) پشت سر او (ص) نماز می‌خواند و یکی از وزیران او خواهد بود؛ و این بنده‌ی صالح برای برپایی قسط و عدل در زمین و بردن کلمه‌ی «لا اله الا الله، محمد رسول الله (ص)» به سوی همه‌ی اهل زمین ذخیره شده است و خداوند سبحان او را از بین همه‌ی فرزندان آدم برای این مهم انتخاب فرمود. همانطور که روایت شده است اولین کسی که در این زمینه به هنگام قیامش با او بیعت می‌کند جبرائیل (ع) می‌باشد، و اینکه آن حضرت را به هنگام قیامش، جبرائیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ احاطه می‌کنند.

عن سالم الأشل، قال: سمعت أبا جعفر يقول: (نظر موسى بن عمران في السفر الأول بما يعطى قائم آل محمد من التمكين والفضل، فقال موسى: ربي اجعلني قائم آل محمد، فقيل له: إن ذلك من ذرية أحمد. ثم نظر في السفر الثاني فوجد فيه مثل ذلك، فقال مثله، فقيل له مثل ذلك. ثم نظر في السفر الثالث فرأى مثله، فقال مثله، فقيل له مثله) [696].

از سالم اشل روایت شده است: از ابا جعفر امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود: «موسی بن عمران در «سفر اول» نظر کرد و آنچه از مکتب و قدرت و

فضیلت به قائم آل محمد داده می شود را مشاهده نمود و گفت: خدایا مرا قائم آل محمد گردان. به او گفته شد: قائم از فرزندان احمد است. سپس در سفر دوم نگریست و دوباره مانند همان مطلب را یافت و مانند آن را از خداوند درخواست کرد و همان پاسخ را شنید. سپس در سفر سوم نگریست و همان مطلب را دید و همان سخن را تکرار کرد و همان پاسخ را شنید» [697].

و عن محمد بن علي (ع)، قال: (كان عصا موسى (ع) لأدم (ع)، فصارت إلى شعيب، ثم صارت إلى موسى بن عمران، وإنما لعندنا، وإنَّ عهدي بها أنفأ، وهي خضراء كهيئتها حين انتزعت من شجرها، وإنما لتتطق إذا استنطقت، أعدت لقائنا، يصنع كما كان موسى يصنع بها، وإنما لتروع وتلقف ما يأفكون، وتصنع كما تؤمر، وإنما حيث أقبلت تلقف ما يأفكون، لها شفتان [698])، أحدهما في الأرض والأخرى في السقف، وبينهما أربعين ذراعاً، وتلقف ما يأفكون بلسانها) [699].

از محمد بن علی (ع) روایت شده است که فرمود: «عصای موسی (ع) برای آدم (ع) بود، سپس به شعیب رسید، سپس به موسی بن عمران رسید، و هم اکنون نزد ما است. عهد من بر آن تاز و سبز است، درست به همان صورت که از درخت کنده شد. اگر با آن سخن گفته شود، سخن می گوید. برای قائم ما آماده شده است، و او با آن همان می کند که موسی نمود. آن عصا خواهد ترساند و می خورد آنچه را که بدعت می کنند، و هر چه به آن امر شود انجام می دهد. آن هنگام که پیش برده شود آنچه را که بدعت کرده اند خواهد بلعید. دو لب [700] دارد؛ یکی از آنها در زمین و دیگری در سقف، و بین آنها چهل ذراع فاصله وجود دارد و با زبان خود آنچه را بدعت کرده اند خواهد بلعید» [701].

و عن جابر الأنصاري، قال: سمعت رسول الله يقول: (إنَّ ذي القرنين كان عبداً صالحاً جعله الله حجة على عباده، فدعا قومه إلى الله عزَّ وجل وأمرهم بتقواه،

فَضْرِبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ، فَغَاب عَنْهُمْ زَمَانًا حَتَّى قِيلَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ؟ ثُمَّ ظَهَرَ وَرَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ فَضْرِبُوهُ عَلَى قَرْنِهِ، أَلَا وَفِيكُمْ مَنْ هُوَ عَلَى سُنَّتِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَكَّنَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِيبًا، وَبَلَغَ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْرِي سُنَّتُهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وَلَدِي وَيَبْلُغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا، حَتَّى لَا يَبْقَى سَهْلٌ وَلَا مَوْضِعٌ مِنْ سَهْلٍ وَلَا جَبَلٌ وَطَنُهُ ذِي الْقَرْنَيْنِ إِلَّا وَطَنُهُ، وَيُظْهِرُ اللَّهُ لَهُ كَنْوَزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهُ، وَيُنْصِرُهُ بِالرَّعْبِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا) [702].

از جابر بن عبد الله انصاری روایت شده است: شنیدم رسول خدا (ص) می فرمود: «ذو القرنین، بنده‌ای شایسته بود که خداوند عزّ و جلّ او را حجّت بر بندگان خود قرار داد. او قوم خویش را به سوی خداوند عزوجل دعوت و آنان را به تقوا و پرهیزگاری امر نمود. اما مردم بر شاخ سر او کوفتند. او مدتی از میان آنان ناپدید گشت، به طوری که گفته شد: او مُرد یا کشته شده، به کدام وادی درافتاده است؟ اما وی سپس آشکار شد و به میان مردم خود برگشت و این بار نیز مردم بر گوشه‌ی دیگر سر او ضربتی کوفتند. در میان شما نیز یک نفر هست که سنتی چون او دارد. خداوند عزّ و جلّ به ذو القرنین در جهان تمکین داد و از هر چیزی برایش وسیله‌ای قرار داد و او به مغرب و مشرق رسید. خداوند تبارک و تعالی به زودی سنّت و شیوه‌ی او را دربارهی قائم از فرزندان من نیز جاری خواهد ساخت و او را به شرق و غرب جهان خواهد رساند، به طوری که هیچ منزلگاه و دشت و کوهی نیست که ذو القرنین زیر پا گذاشته باشد مگر اینکه قائم نیز آنها را زیر پا می‌گذارد و خداوند گنج‌ها و معادن زمین را برایش آشکار می‌سازد و به وسیله‌ی رعب و وحشت او را پیروز می‌گرداند و به واسطه‌ی او زمین را همان گونه که از جور و ستم پر شده است- از عدل و داد پُر می‌کند» [703].

وسئل أبو عبد الله (ع): هل ولد القائم؟ فقال: (لا، ولو أدركته لخدمته أيام حياتي) [704].

از ابو عبدالله (ع) سؤال شد: آیا قائم به دنیا آمده است؟ فرمود: «خیر، ولی اگر او را درمی یافتم، تمام روزهای زندگانیم را در خدمتش می بودم» [705].

فصلوات الله على من يقول فيه إمام معصوم: لو أدركته لخدمته أيام حياتي.  
پس صلوات خداوند بر کسی که امامی معصوم در موردش می فرماید: «اگر او را درمی یافتم، تمام روزهای زندگانیم را در خدمتش می بودم».



[696] - غيبة النعماني: ص 246، بحار الأنوار: ج 51 ص 77، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 3 ص 246.

[697] - غيبت نعماني: ص 246 ؛ بحار الانوار: ج 51 ص 77 ؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج 3 ص 246.

[698] - في بعض نسخ الكافي: شعبتان.

[699] - الكافي: ج 1 ص 231، بحار الأنوار: ج 26 ص 219، و: ج 52 ص 318، ورواه كما هو الآن في المتن عن بصائر

الدرجات، بينما رواه في بصائر الدرجات: ص 203، وفي الإمامة والتبصرة: ص 116، وفي كمال الدين: ص 674، باختلاف في آخر الرواية. وقد ذكرت الزيادة في هامش مختصر بصائر الدرجات وأنها عن نسخة البحار.

[700] - در برخی نسخه های کافی: «دو شاخه».

[701] - کافی: ج 1 ص 231 ؛ بحار الانوار: ج 26 ص 219 و ج 52 ص 318 و همان گونه که در متن بصائر الدرجات

هم اکنون موجود است، روایت نموده. بصائر الدرجات: ص 203 ؛ امامة و تبصره: ص 116 ؛ كمال الدين: ص 674 با مقداری اختلاف در پایان روایت، و در پاورقی مختصر بصائر الدرجات که از نسخه ای از بحار نقل کرده، زیادتی وجود دارد.

[702] - كمال الدين: ص 393، بحار الأنوار: ج 52 ص 323، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 1 ص 256.

[703] - كمال الدين: ص 393 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 323 ؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج 1 ص 256.

[704] - غيبة النعماني: ص 252، بحار الأنوار: ج 15 ص 148، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 3 ص 385.



[705] - غيبت نعماني: ص 252 ؛ بحار الانوار: ج 15 ص 148 ؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج 3 ص 385.